



در نشست رویداد «جایزه عالی نسب» عنوان شد

توسعه، قربانی بزرگ مناسبات

شرایط بسیار خاصی رادر ایران در حال تجربه هستیم و نگرانی‌ها درباره روند‌های واگرایانه و قهقرآمیز در همه عرصه‌های حیات جمعی مایبدا می‌کند، به‌طور همزمان شاهد این هستیم که به‌طور غیرمتعارفی به‌جای برانگیختن عزم، اراده و انگیزه برای برطرف کردن این گرفتاری‌ها، متأسفانه آگاهانه و غیر آگاهانه عناصر انگیزه‌گش فعال است. از این رو طبیعتاً به اعتبار فلسفه وجودی مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد مبنی بر اینکه ایران و توسعه آن باید در مرکز توجه قرار داشته باشد، این پرسش در مؤسسه مطرح بود که ما به سهم خود در این زمینه چه اقدامی انجام می‌دهیم. فرشاد مومنی، رئیس مؤسسه دین و اقتصاد، در نشست رویداد «جایزه عالی نسب» اظهار داشت: تصور ما این بود که با مطرح کردن جایزه عالی نسب به سهم خودمان و مقدمات به‌طور همزمان چند موضوع را دنبال می‌کنیم، مسئله نخست این است که در بستر مناسبات رانته قربانی بزرگ توسعه است.

اگر به اسناد برنامه‌های توسعه کشور که نگاه کنیم می‌بینیم که هر نسبتی را می‌توان به این اسناد داد به‌جز اینکه ارتباطی به ماجرای توسعه کشور داشته باشند. مومنی گفت: مگر می‌شود در جامعه‌ای مسئله توسعه را حذف کنیم که این حذف هم به اعتبار ذی‌نفعان رانته شکل و شمایل پرتنوعی به خود گرفته‌ه پس از این حذف، احتمال بهبود وضعیت را داشته باشیم. مأموریت اصلی جایزه عالی نسب این است که دوباره وجود گرمای به نام «ایران» را به همه یادآوری کند. چراکه در بستر مناسبات رانته همه به دنبال منافع شخصی در حرکت هستند و فراموش می‌کنند که منافع شخصی پایدار فقط در صورتی شکل می‌گیرد که ایرانی باقی‌مانده باشد که حالش خوب باشد و برای اینکه حال ایران خوب شود باید

محور همه تلاش‌ها توسعه باشد. این استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی افزود: بر این باور هستیم که برای پیشبرد ماجرای توسعه اول باید مسئله و دغدغه توسعه در حیطه اندیشه‌ای سامان پیدا کند، در شرایطی که با کمال تأسف مراکز اندیشه‌ای مایکی از برترین ایام را از نظر تحمل کردن مداخله‌های نازوا و فشارهای غیرعادی تجربه می‌کند، به اهل علم و پژوهش در حیطه توسعه با تمرکز بر نیازهای معرفتی این مسئله در ایران یک انگیزه‌ای را از طریق رویداد جایزه عالی نسب ایجاد کنیم. مومنی اظهار داشت: با مطرح کردن این جایزه به‌نام استاد فقید میرمصطفی عالی نسب می‌خواهیم بگوئیم که جامعه ما اگر بخواهد هویت توسعه‌ای پیدا کند باید چهره‌های برجسته که در دوران‌های سخت‌تر از شرایط کنونی گام‌هایی بزرگ در ساحت‌های نظر و عمل و در مسیر توسعه کشور برداشته‌اند را به عنوان الگو معرفی کند.

امیدواریم به همین بهانه به همان اندازه که دغدغه ایران و توسعه ایران مطرح می‌شود مسئله قدرشناسی عالمانه از خادمان توسعه موضوعیت پیدا کند. وی گفت: اگر مروری بر خدماتی که عالی‌نسب در ساحت نظر و عمل برای ایران به اجرا رسانده داشته باشیم، از اینکه چنین خادمی تا این اندازه در غربت و گمنامی مانده شگفت‌انگیز می‌شود. درحالی که در هر جای دنیا اگر فردی پیدا می‌شد که یک‌هزارم استاد فقید عالی‌نسب گام‌های بزرگی به سمت توسعه برداشته و حقوق بزرگی هم به گردن ایران و مردم ایران داشته واقعاً باید شگفت‌زده می‌شدیم که نامی از این افراد مطرح نیست. مومنی همچنین درباره تأمین مالی این رویداد گفت: طبیعتاً در این مسیر اولین کاری که کردیم این بود که برای تأمین مالی هزینه‌های این رویداد به کار خانه عالی‌نسب مراجعه کردیم، یکی از افتخارات عالی‌نسب این است که جزو معدود بنگاه‌هایی است که پس از فوت بنیان‌گذار همچنان با بالندگی و رونق در حال فعالیت است، در حال حاضر مدیرعامل کارخانه سماورسازی عالی‌نسب برادرزاده استاد فقید عالی‌نسب است که وقتی این مسئله را با ایشان در میان گذاشتیم از این موضوع استقبال فراتر از انتظار داشت. وی با بیان اینکه یک هیئت داور ۱۵ نفره این رویداد را پشتیبانی می‌کند، گفت: هماهنگی‌ها با داوران انجام شده تا از نظر کیفیت و اعتبار نگرش‌های معطوف به اعتلای ایران نگرانی‌هایی وجود نداشته باشد. امیدواریم برگزاری این رویداد جنبش توسعه‌خواهی را دوباره در ایران زنده کند و پس از این روندهای قهقرایی که از سال ۱۳۹۰ به‌طور فاجعه‌آمیزی شروع شده بتوانیم بذر امید به این جامعه بیاشیم.

خودروی اسقاطی است. او به سیاستگذار توصیه می‌کند که هر فردی قصد دارد خودروی خارجی به کشور وارد کند را الزام به از رده خارج کردن خودروی اسقاطی کند.

او تعداد اسقاط به ازای هر خودرو را بسته به نوع و کیفیت خودرو، یک تا سه خودرو می‌داند.

بالاخره راهکار سومی که حسینی به سیاستگذار پیشنهاد می‌کند، توسعه و افزایش میزان استفاده از خودروهای برقی است. البته امسال در آمریکا و اروپا به دلیل محدودیت جایگاه‌های شارژ خودرو و میزان زمانی که نیاز است برای شارژ شدن خودرو طی شود، تمایل به خرید خودروی برقی پایین آمده است. وی بیان می‌کند: به هر حال و در درازمدت مجبور هستیم به سمت خودروهای برقی پیش برویم. اگر بتوان ناوگان تاکسیرانی را برقی کرد، بسیار منتفع می‌شویم.

حسینی در پایان خاطرنشان می‌کند: یک واحد ۸۰ هزار بشکله‌ای تولید میعانات گازی در پالایشگاه سیراف ۹۰ درصد پیشرفت تولید دارد و اگر دولت کمک کند می‌تواند روزانه ۳۰ تا ۴۰ هزار بشکله به تولید نفت کمک کند تا همه این اقدامات باهم ناترازی را کاهش دهند زیرا فعلاً امکان مبارزه با قاچاق نیست.

▼ چاره چیست؟

کارشناسان اقتصادی، سال‌هاست که به نحوه سیاست‌گذاری اقتصادی سکنداران دولت انتقاد جدی دارند. آنان معتقدند دولت با دخالت در سازوکار بازار، موجب اختلال در نظام عرضه و تقاضا شده و در نهایت به جای تعدیل قیمت‌ها، تولیدکنندگان را با تورم مواجه می‌سازد.

به گفته آنان، دولت باید به وظیفه خود یعنی توسعه زیرساخت‌ها برسد و فعالیت اقتصادی را به فعالان این حوزه بسپارد. با این همه دولت به بهانه رفاه مردم، دست به دخالت در قیمت کالاها زده و هنگام مواجهه با تبعات تورمی این عمل، سعی می‌کند با پرداخت یارانه پنهان و سوبسید، مضرات ناشی از تورم را جبران کند. در واقع، اقدامات دولت موجب شده که فعالیت اقتصادی در ایران گرفتار یک ناوضعیت شود.

▼ ایران گرفتار یک ناوضعیت می‌شود

در جامعه‌شناسی، ناوضعیت به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن هیچ‌یک از متغیرهای کلیدی سر جای خود نیستند؛ هیچ‌کس تکلیف خود را در قبال خود، جامعه و نهادها نمی‌دانند، به همین دلیل در نحوه تنظیم روابط خود با بحران روبه‌روست. به نظر می‌رسد، اقتصاد ایران دچار چنین موضوعی است و نزولی‌شدن سریع‌السير نرخ تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی در دهه گذشته، نتیجه رقم خوردن چنین فضایی در کشور است. از آنجا که نتیجه طبیعی بر خورداری از وضعیت روشن در اقتصاد ایران، داشتن تصویری روشن و مشترک برای اقدامات و همکاری‌هاست، بروز ناوضعیت سبب از بین رفتن این عنصر کلیدی به‌عنوان مبنای همکاری و مشارکت در فضای اقتصاد و وقوع هرج‌ومرج است. اقتصاد ایران اکنون دچار این ناوضعیت است و سیاستگذار برای رفع و رجوع این بحران، باید در ابتدا تورم را ریشه‌کن کرده و سپس دست به اقدامات دیگر بزند.

فروش می‌رساند، نیست بلکه شامل هیدروکربن‌های سنگین و سبک است. این مدل فرآورده‌ها به پاکستان می‌رود. بنابراین خبر درست این است که فرآورده‌های نفتی با انبه تهاتر شده‌اند و نه اینکه نفت خام به این کشور فروخته شده باشد.

بنا بر گفته‌های حمید حسینی، ایران نمی‌تواند نفت خام را زمینی به پاکستان بفروشد. او می‌افزاید: بازارچه‌هایی در مرز ایران و پاکستان وجود دارد که تهاتر انجام می‌دهند و دو کالا را باهم تهاتر می‌کنند. بنابراین بحث، بحث فرآورده‌های ویژه است. اگر کسی فرآورده‌های نفتی و میعانات را خرید و پالایش کند و به پاکستان و افغانستان یا امارات بفروشد، شامل تعهد ارزی شده و باید این تعهد را رفع کند. البته ممکن است کشوری امتیازی داده باشد تا بتوان با آن کشور تهاتر کرد.

این گفته‌ها درست در زمانی منتشر می‌شود که بنا بر گفته‌های رسمی مقامات ایران، کشور روزانه ۱۵ میلیون لیتر ناترازی بنزین دارد. تنها با در نظر گرفتن این نکته می‌توان دریافت که هزینه فرصت فروش نفت به خارج و دریافت کالایی غیرضروری مانند انبه، تا چه اندازه زیاد است. حسینی در همین باره اظهار می‌کند: ناترازی روزانه بنزین عدد قابل توجهی است و همواره سعی می‌شود که با کاهش کیفیت بنزین و مخلوط کردن برخی فرآورده‌های پتروپالایشگاه‌ها مانند نفتا در پالایشگاه‌ها با بنزین، این ناترازی را جبران کرد. البته باید توضیح داد که این اقدام هیچ مشکلی برای بنزین به وجود نمی‌آورد و تنها تولید را افزایش می‌دهد و کیفیت را کاهش می‌دهد.

حسینی یادآوری می‌کند: به هر حال و در زمان‌های پیک مصرف مانند تعطیلات، دولت مجبور است که مقداری بنزین از کشورهای دیگر وارد کند. سال گذشته، از ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون لیتر آمار واردات سوخت، حدود ۳۰۰ میلیون لیتر گازوئیل بود و بقیه این حجم هم از بنزین تشکیل می‌شد. امسال هم سیاست واردات در حال ادامه است اما همچنان هم با این اقدامات بنزین کشور کافی نیست. بنا بر آماری که در اختیار من است، هنوز تصمیم جدی برای واردات گرفته نشده است و واردات، کمتر صورت می‌گیرد.

حسینی که تحریم را عامل تمام این مشکلات می‌داند تأکید می‌کند: این یک واقعیت است که به دلیل تحریم مجبور شده‌ایم فرآورده‌های خود را با قیمت بالا بخریم و نفت خام و نفت کوره خود را با قیمت‌های پایین‌تر از قیمت‌های جهانی به فروش برسانیم. تحریم نعمت نیست اکنون دیگر همه می‌دانند چقدر هزینه و درسد دارد.

او اقداماتی که دولت باید برای رفع ناترازی بنزین انجام دهد را متشکل از سه عمل می‌داند و بیان می‌کند: لازم است که حتماً دولت سه اقدام انجام دهد؛ اول اینکه مصرف را کنترل کند؛ یعنی در موقعیت‌هایی که مصارف خارج از عرف وجود دارد بهینه‌سازی کند. دوم اینکه باید خودروهای اسقاطی را از رده خارج کند. چراکه اگر دولت اصرار دارد خودروهای وارداتی را به کشور بیاورد باید این اقدام را به اسقاط خودروهای از رده خارج شده گره بزند. دولت نیاز دارد آلودگی هوا و مشکل مصرف بی‌رویه داخلی را کنترل کند. لازمه این امر هم خروج دو سه میلیون

جای آن انبه و کالاهای چینی و پاکستانی بخرند و سپس همه این کالاها را به شکل قاچاق و از مبادی غیرقانونی، وارد کشور می‌کنند. این گونه است که بازار میوه‌ای مانند انبه یا دیگر اجناس مختل شود.

او فرآیند فروش کالاهای تهاتر شده در ایران را چنین می‌بیند: زمانی که این ۲۰ هزار دلار کالا به داخل مرزهای کشور آورده می‌شود، زیر قیمتی که خریده شده به فروش می‌رود. زیرا همان‌طور که گفتیم این پول، پول نابرده رنج، گنج میسر شده است.

او که اقتصاد انرژوی در دانشگاه اوهایوی آمریکا خواننده خاطرنشان می‌کند: هر ۹۵ سنت کالای خریده شده در آن سوی مرزها، در داخل ایران به قیمت یک دلار فروخته می‌شود چراکه این پول، سود باآورده‌ای است که نه مالیات در آن احتساب می‌شود و نه اداره مالیات مسئولیت پیگیری آن را قبول می‌کند. اداره مالیات می‌گوید مسئول قاچاق‌گیری نیست اما همین اداره، زمانش که برسد، کام بازرگانان، کارخانه‌داران کوچک و صنایع بزرگ را تلخ می‌کند و ذره‌ای با آن‌ها مماشات نمی‌کند. من به عنوان یک اقتصاددان، نمی‌گویم که اداره مالیات قاچاق را توجیه می‌کند اما می‌دانم عواملی در اداره مالیات هستند که بخش‌های رقیب قاچاق را در تنگنا قرار دهند و در نتیجه به شکل غیرمستقیم فرآیند قاچاق را تسهیل می‌کنند.

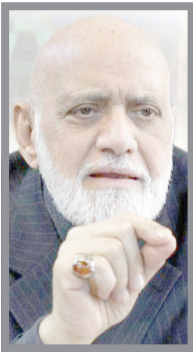
او گریزی به تجربه‌های دیگر زده و یادآوری می‌کند: یکی از دوستان فعال صنعت چرم و نساجی در اتاق تیریز توضیح می‌داد که قاچاق‌چی‌های بنزین محصولات او را با مارک انحصاری برند او کپی کرده و می‌زنند اما با قیمت ارزان‌تر به فروش می‌رسانند. یعنی در مرزهای ترکیه نیز وضعیت همین است و تفاوتی ندارد.

او نام این وضعیت را قاچاق ضرب در قاچاق می‌گذارد و آن را مخرب اقتصاد خرد کشور می‌نامد؛ سپس می‌گوید: کسب و کارهای خرد، بیشترین نرخ اشتغال را ایجاد می‌کنند.

شمس اردکانی در پایان افشا می‌کند که سران این قاچاقچی‌ها هم بیشتر از ۱۰ یا ۱۵ نفر در کل کشور نیستند. این افراد واقعاً سازمان‌یافته قاچاق می‌کنند و مردم عادی نیستند؛ مثلاً ۵ تانکر گازوئیل را از سهمیه‌های پالایشگاه‌های اصفهان در پاکستان تحویل می‌دهند و به جای آن جنس به ایران می‌آورند که یکی از این کالاها، انبه است اما انبه تنها کالایی نیست که در ازای نفت به ایران قاچاق می‌شود.

▼ سوخت تهاتر می‌شود ولی نه از سمت دولت

حمید حسینی، رئیس اتحادیه صادرکنندگان نفت و گاز و پتروشیمی معتقد است این‌طور نیست که دولت نفت را با انبه تهاتر کرده باشد بلکه افرادی که بنزین قاچاق می‌کنند، به جای پول بنزین، انبه می‌آورند. این فعال اقتصادی که معتقد است فعلاً امکان مبارزه با قاچاق فراهم نیست، در گفت‌وگو با هم‌میهن ادامه می‌دهد: اساساً پاکستان واردکننده نفت از ایران نیست اما بخشی از فرآورده‌های نفتی که پالایشگاه‌های بخش خصوصی تولید می‌کنند به این کشور فروخته می‌شود. همچنین کالاهای نفتی که از ایران به پاکستان ترانزیت می‌شود، تهاتر می‌شوند زیرا نظام بانکی نمی‌تواند نقل و انتقالات مالی انجام دهد. این مسئله شامل فرآورده‌های نفتی هست اما شامل خود نفت خام که دولت ایران به



علی شمس اردکانی:

سران این قاچاقچی‌ها هم بیشتر از ۱۰ یا ۱۵ نفر در کل کشور نیستند. این افراد واقعاً سازمان‌یافته قاچاق می‌کنند و مردم عادی نیستند؛ مثلاً ۵ تانکر گازوئیل را از سهمیه‌های پالایشگاه‌های اصفهان در پاکستان تحویل می‌دهند و به جای آن جنس به ایران می‌آورند که یکی از این کالاها، انبه است

